



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

پنجشنبه ۰۸ فروری ۲۰۲۴

انارگل خوستی

## دنیا را آب بگیرد، مرغابی را تا بند پاست

یکی دو روز از برادران جوهره برخوردار و جفنگ گوئی های شان خبری نبود، فکر شد که این دو برادر مدافع حزب منحلہ خلق و پرچم بالاخره سر به گریبان داخل نمودند و از دفاع و تبریئه نمودن شوروی و نوکران شان منصرف شدند. اما دیده شد که اینطور نبود. برادری که در امریکا، همان امریکا که در سال های قبل از کودتای حزب جنایتکار و رفقای حزبی شان در سرک های کابل گلو پاره می کردند و انواع و اقسام دشنام ها را به امپریالیزم امریکا نثار می نمودند. فعلاً نیز نوشته های شان بدین منوال جریان دارد، یکی از برادران جوهره برخوردار در یک مضمون که بتاریخ سی و یکم جنوری تحت عنوان "جگریز شانتاژ!"

نوشته کرده است، کوشیده است که همه الله و بلا را در گردن امریکا بیندازد، و بادران خون آشام خود را که همانا اتحاد جماهیر اشتراکیه سوسیالیستی شوروی سابق بود که از هیچ نوع جنایت در حق همه مردم دنیا، در قاره آسیا، افریقا، امریکای جنوبی و اروپای شرقی دریغ ننمود، اما آن "ملک شورا" های تان از برکت مقاومت مردم سربلند و آزاده افغانستان توتہ توتہ شد و از سر تان سبیل ماند، فعلاً هم با حمله به اوکراین و کشتار مردم بیگناه آن کشور، و فرستادن ملیشه های خون آشام به ممالک افریقائی، باز هم فیل روسیه یاد هندوستان نموده است و این مرتبه خواب روسیه بزرگ را میبیند. دانسته شد که شما تفاله های حزب نادموکراتیک و منحلہ به هیچ قیمت حاضر نیستید که از دفاع آن کشور و کسانیکه آن کشور را رهبری می کنند، صرف نظر کنید. رهبران روسیه همه شان حیوانات درنده هستند در چهره انسان، اما شما از دفاع نمودن آن جانیان دست بردار نیستید.

سوال در اینجا است که چرا شما ها بقایا و تفاله های همان حزب منحلہ، بعد از فروپاشی و شکست ذلت بار شوروی؛ به عوض روسیه در ممالک امپریالیستی پناه آوردید؟ جوابش این است که دیگر شما برای بادران خونخوار تان مورہ های سوخته بودید و از جانب دیگر باوجود خوش خدمتی که

برای شوروی نمودید، باداران تان شما ها را نپذیرفتند، زیرا دانستند کسانی که به وطن خود خیانت می کنند، مورد اعتماد نیستند و یک روز به ما نیز خیانت خواهند کرد.

مضمون دیگر این جوره برخوردار تحت عنوان **"ابعاد سیاست دوگانه طالبان در افغانستان"** است، که نتنها در این مضمون، بلکه وقتاً فوقتاً با بد گویی نمودن طالبان هم روی کاغذ و هم روی خود را سیاه می نماید. برای این آقا باید گفته شود که امروز از برکت مقاومت طالبان است که افغانستان دوباره صاحب پیدا کرده و جایگاه خود را که عبارت از آزادی و تمامیت ارضی اش می باشد در بین کشور های جهان حفظ نموده است و بار دیگر به جهانیان نشان دادند که هیچ مملکتی نمی تواند افغانستان را تسخیر کند، باوجود خیانت از طرف یک تعداد از فروخته شدگان چپ و راست.

برادر فیلسوف بیچاره باز زده و کنده به تاریخ ششم فیروزی یک مضمون تحت عنوان **"قطعه های ما را بلند بازی کردیم"** نوشته است، فهمیدن نوشته ها و ترجمه های وی کار آسان نیست، در حقیقت خواسته است تا مقاله یک امریکایی را که متخصص در امور شوروی است، ترجمه کند. باز هم برایش خاطر نشان می کنم که:

ای مترجم از برای خدا، ترجمه هایت که همه به منظور برائت دادن شوروی و نوکرانش است، به زباله دانی بینداز که اصلاً نامفهوم و بدون معنی اند، پیش از اینکه مغز نداشته ترا و مغز یکی دو جوان افغان را خراب کند؛ همه آنانرا حمایل گردن خم خود کرده و در چهار دیواری منزل خود با آن تا می توانی رقص و پایکوبی کن. نه خود را زحمت بده و نه هم سبب زحمت یکی دو نفر دیگر شو. آفتاب را هرگز نمی توان با دو انگشت پنهان نمود. نه متخصص می خواهی و نه هم داکتر و انجنیر و نویسنده و مترجم و...

چرا همه نویسندگان و قلم بدستان محترم در مقابل جفنگ گویی این دو برادر جوره برخوردار خاموشی اختیار نموده اند؟ امید که یکی از بزرگان جواب بدهد. نمی خواهم بشنوم که گذشته گذشت، تا عاملان بربادی و کشتار ملت افغان بررسی نشوند، گذشته نمی گذرد. **"گذشته پیش چشمان است..."** ما هیچ وقت نمی توانیم حوادث ناشی از کودتای هفتم ثور سال ۱۹۷۸ را فراموش کنیم، کشور عزیز ما از آن تاریخ به بعد حوادث ناکواری را متحمل شد. کشوری که بسوی ترقی و پیشرفت گام می نهاد، با کودتای وطنفروشان خلق و پرچم چهل و شش سال است که در آتش می سوزد.

---

استقلال – خپلواکی : علت خاموشی اختیار نمودن قلم به دستان و نویسندگان، شاید نخواندن نوشته های متحدالشکل و ملالتبار آن نویسندگان باشد.